

## سنجش عدالت فضایی به‌منظور دسترسی برابر به فرصت‌های اجتماعی (نمونه مطالعه: بافت قدیم شهر قزوین)

مریم افروز<sup>۱</sup>

منوچهر طبیبیان<sup>۲</sup>

بهمن احمدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

### چکیده

دستیابی به توسعه، مستلزم برقراری تعادل و ترکیب در درون شهر می‌باشد که در قالب عدالت فضایی در شهر امکان بروز می‌یابد. فرصت‌های اجتماعی برابر، از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده‌ی عدالت در شهر است که اجازه می‌دهد شهروندان از فرصت‌های متناسب با شایستگی‌هایشان برخوردار شوند. در صورت تحقق این ممکن، می‌توان شاهد ارتقاء حس عدالت در بین ساکنین شهر و در نهایت توسعه هویت‌مند آن بود؛ توسعه‌ای که همه اقشار با تمامی ویژگی‌های متفاوتشان را تحت پوشش قرار خواهد داد. هدف این تحقیق، سنجش عدالت فضایی به‌منظور دسترسی به فرصت‌های اجتماعی در منطقه یک شهر قزوین، که دربرگیرنده بافت قدیمی شهر است، می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و توسعه‌ای و روش آن، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که در آن از ابزارهای مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. برای تحلیل اطلاعات و سنجش میزان عدالت از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان عدالت در دسترسی به نیازهای اولیه تا حدی مطلوب بوده ولی پایین بودن دسترسی به فرصت‌های اجتماعی در شاخص‌های حق حضور در شهر و حق متفاوت بودن، تا حدودی از میزان عدالت فضایی در محدوده مورد مطالعه کاسته است.

**واژگان کلیدی:** عدالت فضایی، فرصت‌های اجتماعی برابر، قزوین، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل سلسله مراتبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد شهرسازی، maryam.afrouz@gmail.com

<sup>۲</sup> استاد شهرسازی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای شهرسازی دانشگاه تهران و استاد حق التدریس دانشگاه آزاد تهران

## ۱. مقدمه

عدالت فضایی یکی از مسائل مهم و تأثیرگذاری می‌باشد که به‌خصوص در دهه‌های اخیر موردتوجه صاحب‌نظران مختلفی در عرصه‌ی مسائل شهری و اجتماعی قرار گرفته است. عدالت فضایی بیانگر این است که ساکنین یک شهر، فارغ از اینکه در کدام محله زندگی می‌کنند، باید به‌صورت منصفانه از خدمات شهری برخوردار شده و همچنین حق حضور و ابراز خود را در شهرشان داشته باشند. جدایی‌گزینی اجتماعی و قطبی شدن شهر، مانعی جدی بر سر راه تعاملات شهروندان ایجاد می‌کند و عدم وجود تعاملات، تفاوت‌ها را به تقابل کشانده و از توسعه جلوگیری می‌کند؛ چرا که لازمه و معیار توسعه‌یافتگی، تعادل می‌باشد. در نتیجه، اولین گام برای برقراری تعادل در شهر، شناسایی و در نظر گرفتن نیازها و تفاوت‌های قشرهای مختلف ساکن در شهر می‌باشد.

برنامه‌ریزی همواره و کم‌وبیش جامع، توسعه‌ای، عدالت‌گرایانه و تعدیلی است (کمپل و فاینشتاین، ۱۳۸۸، ص ۴۵۶). رسالت برنامه‌ریزان شهر، جلب رضایت شهروندان و ایجاد برابری فرصت‌ها در دستیابی به خدمات شهری است؛ در واقع، دیرک برنامه‌ریزی، خدمت به منافع عمومی می‌باشد (کمپل و فاینشتاین، ۱۳۸۸، ص ۲۸)؛ چرا که شهر متعلق به مردم و برای زندگی مردم شکل گرفته است و این حق هر شهروند است که حتی احساس بی‌عدالتی و محرومیت هم در شهر نداشته باشد تا بتواند تعامل سازنده‌ای با محیط برقرار کند. عدالت والاترین مرحله‌ی اجرایی حق است و در تمامی امور جایز است که سرلوحه اقدامات باشد. رابرتس معتقد است از آنجایی که عدالت فضایی مستقل از دیگر فرم‌های عدالت نیست، می‌تواند به‌عنوان مرکز انواع جنبش‌های عدالت عمل کند. عدالت فضایی نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است و به عقیده‌ی سوجا، توزیع عادلانه و منصفانه منابع و فرصت‌های باارزش در فضای جامعه را شامل می‌شود. اصولاً فضائیت عدالت یا نادیده گرفته می‌شود و یا در مفاهیم مرتبط دیگر مانند: عدالت سرزمینی، عدالت زیست‌محیطی، بی‌عدالتی شهرنشینی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و یا حتی در شهر عادل و جامعه عادل جذب می‌شود. (Soja, 2010, p 1)

هدف از این تحقیق، سنجش میزان عدالت فضایی با تأکید بر دسترسی برابر به فرصت‌های اجتماعی می‌باشد. برای تحقق این امر، منطقه یک شهر قزوین که دربرگیرنده محلات تاریخی و فرسوده شهر می‌باشد، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. متأسفانه در شهر قزوین شاهد توجه بیشتر به محلات خاص و اغلب نوساز و کم‌توجهی و گاهی هم عدم توجه به سایر محلات و به‌خصوص محلات قدیمی‌تر و بعضاً دارای ارزش تاریخی هستیم. این مسئله، پیامدهای نامطلوبی را برای سلامتی اجتماعی شهر به‌خصوص در بخش جدایی‌گزینی اجتماعی میان مناطق به بار آورده است. به دلیل جدایی‌گزینی نسبی اجتماعی که در قزوین رخ داده، به‌نوعی سبب شده که مردم محلات فرودست (به‌خصوص محلات منطقه یک) احساس محرومیت کنند و انگیزه‌ای برای حضور در مناطق بالا شهر و میانی و استفاده از امکانات آن را نداشته باشند. در واقع این تحقیق به دنبال آن

است که دریابد عدالت فضایی در منطقه یک شهر قزوین بر پایه دسترسی به فرصت‌های اجتماعی تا چه حدی محقق شده است.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مهم‌ترین اصول بنیادی شهرسازی از برنامه‌ریزی و طراحی شهری به منظور ایجاد شهر سازمان‌یافته و کاهش آلودگی‌ها و کنترل نابسامانی‌های فضایی در شهر عبارت‌اند از: عدالت، سازگاری، آسایش، کارایی و کیفیت محیطی (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۱۴). بنا به گفته مک کنل، عدالت به معنای عدالت و انصاف در توزیع یا تخصیص هرگونه منابع فضایی و سایر منافع رفاهی است که تحت فرمان و سلطه‌ی سیستم برنامه‌ریزی می‌باشند. لغت عدالت، همچون مساوات و آزادی، نشان‌دهنده‌ی یک عقیده‌ی اصولی تحت تئوری سیاست و دموکراسی است (McConnell, 1981, p155&156). عدالت اجتماعی در مفهوم گسترده‌تر خود، نه تنها مستلزم حذف فقر درآمدی و بهبود توزیع درآمد به‌عنوان ملاحظات ابزاری است، بلکه گسترش قابلیت‌ها و توانمندی‌های انسانی را نیز از طریق گسترش آزادی‌های فردی و فرصت‌های اجتماعی برابر به‌عنوان ملاحظات اساسی مدنظر قرار می‌دهد (لشگری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲).

عدالت فضایی نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است و به عقیده‌ی سوچا، توزیع عادلانه و منصفانه‌ی منابع و فرصت‌های بازارش در فضای جامعه را شامل می‌شود (Soja, 2010, p1). در مقاله‌ای با عنوان «در عدالت فضایی<sup>۱</sup>»، اچ. جی. پی ری<sup>۲</sup> بر مطلوب بودن و ممکن بودن ساخت مفهوم عدالت فضایی از مفاهیم عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی قلمرویی<sup>۳</sup> تأکید می‌کند. رویکردها و اصول عدالت وابسته به زمان و فضای معینی هستند؛ بنابراین، این‌طور پنداشته می‌شود که رابطه‌ی نزدیکی بین ویژگی‌های اجتماعی- فضایی و مفاهیم عدالت وجود داشته باشد (مارکوس و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹ و ۱۲۰). از نظر سوچا، حالت فضایی تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی را که به‌طور بالقوه قدرتمند بوده، ولی هنوز مبهم است، می‌توان از طریق عدالت فضایی به‌صورت روشن‌تر توضیح داد (Soja 2000, p352). مفهوم عدالت فضایی، انتقادی از کنار گذاشتن، تسلط و سرکوب سیستماتیک است؛ گفتمانی که متأثر از حق حضور در شهر و حق متفاوت/مقاوم بودن<sup>۴</sup> می‌باشد (مارکوس و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸ و ۱۲۹). مصطفی دیکسی<sup>۴</sup> مثلثی متشکل از سه مفهوم دیالکتیک‌های فضایی بی‌عدالتی، حق حضور در شهر و حق متفاوت بودن ارائه کرده است (مارکوس و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹). عدالت فضایی می‌تواند به‌عنوان بنیادی‌ترین دستاورد گردش فضایی قانون باشد. (Poulos, 2015, p174).

۱ On Spacial Justice

۲ H.G. Pirie

۳ Right to Difference/Resist

۴ Mustafa Dikec

برابری فرصت‌ها به معنای آن است که اموری نظیر نژاد، رنگ پوست، مذهب و طبقه‌ی اجتماعی و زمینه‌ی خانوادگی - آن‌گونه که در جوامع سنتی اشرافی و طبقاتی شاهدیم - حق اختصاصی برای پاره‌ای افراد ایجاد نکند و مانعی در راه رقابت سالم و دسترسی افراد به مناصب و موقعیت‌ها نباشد (رالز، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲). محرومیت اجتماعی در فضا منجر به جداسازی اجتماعی و ترس مزمن در شهروندان می‌شود (داداش پور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۷۷). در برخورداری از فرصت‌های اجتماعی، هم مسئولین و هم خود افراد نقش دارند. این دو باید در زمینه‌ای مشارکتی فرصت‌ها را خلق کنند (Reevez, 2005, p 71). فرصت‌های برابر شامل حس شریک و سهیم بودن در مسائل شهر و محله‌ی خود و عینیت یافتن این مسئله از طریق برگزاری جلسات نظرخواهی و ارزیابی پیش و حین و پس از اجرای طرح‌هاست. یعنی فرصت برابر در ابراز خویشتن خویش و توانایی‌های شخصی و گروهی؛ یعنی مانعی بر سر راه شهروندان قرار نگیرد که موجب القای حس سرکوب منزلت و استعداد و خلاقیت‌هایشان باشد. زمانی که انصاف بر روابط حاکم شود، هرکس (بدون توجه به نژاد، درآمد، جنس، سن یا توانایی)، دارای فرصت‌های متناسب با شایستگی‌هایش خواهد بود.<sup>۵</sup>

جول شماره ۱: خلاصه اصلی‌ترین نظریات در خصوص فرصت‌های اجتماعی

نظریه پرداز	نظریه
اکثر لیبرال‌ها	رقابت سالم میان افراد باید با رعایت اصل برابری فرصت‌ها باشد.
رالز (۱۹۷۱)	توزیع منابع و خیرات نباید تحت تأثیر عواملی قرار گیرد که از نظر اخلاقی غیرارادی (Arbitrary) قلمداد می‌شوند.
کوبین لینچ (۱۹۸۴)	نظامی واقعاً عادلانه است که همه‌ی افراد آن دارای موقعیتی برابر جهت بروز توان‌های پنهانی خود باشند.
دوری ریوز (۲۰۰۵)	فرصت‌های برابر به معنی جلوگیری، رفع یا کنترل برتری بی‌جا بین افراد در تمامی زمینه‌ها لزوم انجام یک شناخت وسیع از نیاز برای این فرصت‌های برابر

منبع: تلخیص از نگارندگان

### عدالت فضایی

دیوید هاروی<sup>۶</sup> نخستین کسی بود که بحث عدالت اجتماعی در فضا را در کتاب *Social Justice and the city* (۱۹۷۳) مطرح نمود ولی سپس تمرکز خود را بر جنبه‌های اجتماعی آن معطوف کرد، بدون توجه به ابعاد فضایی و مکانی. تنها کسی که به‌طور کامل، ابعاد فضایی عدالت را در مرکز توجهات و تحقیقات خود قرار داد گوردن پی‌یر (پایری) بود. مقاله‌ی "درباره‌ی عدالت فضایی" وی در سال ۱۹۸۳، شاید اولین نوشته‌ی شناخته‌شده‌ی انتقادی در مفهوم عدالت فضایی باشد. دیکسی از جایی که پایری متوقف‌شده بود، بحث عدالت فضایی را فراتر از الگوهای توزیعی، به سمت

<sup>۵</sup> ر.ک. به: پور جعفر، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا؛ خادمی، مسعود و یوسفی، زاهد؛ اجتماعات محلی: ریشه‌ها و سیاست‌های طراحی؛ شهرداری‌ها؛ سال یازدهم؛ شماره ۹۹: صص ۷۳-۷۶.

<sup>۶</sup> David Harvey

فضاسازی (روش‌های اجتماعی محصول فضا هستند) و ارتباطات اجتماعی، توسعه داد. بنا بر گفته‌ی امیلی تالن<sup>۱</sup>، تحقیقات تجربی اندیشه‌ی عدالت فضایی نیز در موضوع توزیع منابع و خدمات عمومی شهری، بیشتر در حیطه‌ی موضوعاتی چون توزیع جغرافیایی کمک‌های مالی و خدمات عمومی، ارزیابی برابری مالی یا بررسی هنجاری مزیت‌های عدالت متمرکز شده‌اند (تالن، ۱۳۸۰). سوچا در سال ۲۰۱۰ کتابی به نام "*Seeking spatial justice*" را به چاپ رسانید. مواردی که او در عدالت فضایی برجسته کرده است عبارت‌اند از: تبعیض مکانی، سازمان‌دهی سیاسی فضا و توزیع ناعادلانه‌ی درآمدهای سرمایه‌گذاری‌های شهری. سوزان فاینشتاین<sup>۲</sup> با بررسی تمامی نظریات پیشین در زمینه‌ی ابعاد مختلف عدالت (اجتماعی، اقتصادی و فضایی)، سه مؤلفه برای عدالت فضایی استخراج می‌کند: مساوات<sup>۳</sup>، دموکراسی و تنوع<sup>۴</sup>؛ و اظهار می‌دارد که تحقق عدالت مشروط به این سه عامل می‌باشد. او این رویکرد و فرضیه‌ی خود را در سه شهر نیویورک، لندن و آمستردام نیز به معرض آزمون می‌گذارد. تمامی این اقدامات وی در سال ۲۰۱۰ در کتابش تحت عنوان "*Just City*" انتشار یافت. هرچند از دیرباز موضوع عدالت در آموزه‌های اسلامی وجود داشته، ولی بیشتر شامل مفاهیم اخلاقی بوده و به جنبه‌های فضایی آن به‌وضوح پرداخته نشده است. آثار برجسته‌ای در زمینه‌ی جایگاه عدالت در اسلام تدوین شده است که به حقوق شهروندی و تعاریفی از مفهوم عدالت اشاره کرده‌اند؛ از جمله آثار استاد مطهری، علامه طباطبایی و ... که همین امر نشان‌دهنده‌ی جایگاه والای عدالت از دیرباز در فرهنگ اسلامی- ایرانی است. به‌عنوان جمع‌بندی از مباحث گفته‌شده، نظریه‌پردازان و نظریاتشان به‌طور خلاصه در جدول شماره ۲، آورده شده است.

جدول ۲: نظریات و مکاتب فکری

نظریه‌ها و آراء	نظریه‌پرداز و مکتب فکری
نقطه‌ی آغاز نظریاتش این بود که دولت را منبع عدالت می‌دانست که باید با توزیع عادلانه‌ی ثروت و دارایی‌های جامعه، راه رسیدن به عدالت را هموار کند/ مهم‌ترین روش‌های عادلانه کردن جامعه: تقسیم برابر، توزیع بر اساس میزان نیازمندی افراد و تقسیم بر اساس میزان کار و تولید که با نظریه مارکس جان گرفت.	هگل <sup>۵</sup> (۱۸۲۰)
اصطلاح عدالت اجتماعی به معنای امروزی را برای نخستین بار به‌کاربرده است/ عدالت توزیعی به این معناست که جامعه باید با کسانی که شایستگی‌های یکسانی دارند به‌طور برابر رفتار کند.	جان استوارت میل <sup>۶</sup> (۱۸۵۹)

<sup>۱</sup> Emily Talen

<sup>۲</sup> Susan.S Fainstein

<sup>۳</sup> Equality

<sup>۴</sup> Diversity

<sup>۵</sup> Hegel

<sup>۶</sup> John Stuart Mill

<p>ارائه نظریه حق حضور در شهر که مکمل عدالت در شهر می‌باشد/ حق حضور در شهر باید حقوق یک شهروند را به‌عنوان کسی که ساکن شهر است و از خدمات متعدد آن استفاده می‌کند، تغییر دهد، استحکام بخشد و کاربردی‌تر کند/ حق حضور در شهر، حق استفاده‌کنندگان در اعلان نظرات خود درباره‌ی فضا و زمان فعالیت‌هایشان در محدوده‌ی شهری را تصدیق می‌کند/ حق متفاوت بودن، مکمل حق حضور در شهر است. لوفور نوشته، حق متفاوت بودن «حق طبقه‌بندی نشدن اجباری به دسته‌هایی است که از سوی قدرت‌های همگن‌ساز انجام می‌شود» است.</p>	<p><b>هانری لوفور<sup>۱</sup></b> (۱۹۶۸)</p>
<p>نظریه او منحصرأ معطوف به عدالت اجتماعی و توزیعی است/ دو اصل پایه برای عدالت برمی‌شود: اصل آزادی و اصل تمایز، که به‌واسطه‌ی رعایت اصل تمایز از سنت لیبرالیسم رسمی فاصله می‌گیرد/ نابرابری‌ها تنها در صورتی عادلانه است که به نفع افراد ضعیف و کمتر بهره‌مند جامعه باشد/ اشاره به برابری فرصت‌ها برای همگان/ ارائه راهکارهای اساسی برای برقراری عدالت ازجمله: تنظیم حقوق مالکیت و سیستم مالیاتی/ موردانتقاد سوسیالیست‌ها قرار گرفته است.</p>	<p><b>جان رالز<sup>۲</sup></b> (۱۹۷۱) (۲۰۰۱)</p>
<p>نخستین کسی که بحث عدالت اجتماعی در فضا را مطرح نمود/ صورت‌بندی‌های مختلف عدالت: مساوات‌طلبی، فایده‌گرا، قراردادی و طلب تحمیل عدالت از سوی دولت در مقابل منافع شخصی بی‌ملاحظه/ تشریح تضاد اجتماعی از منظر الزامات نظام اقتصادی.</p>	<p><b>دیوید هاروی</b> (۱۹۷۳)</p>
<p>عدالت ایجاب می‌کند که بسیاری از منابع اجتماعی بر مبنای استحقاق به افراد تخصیص یابند.</p>	<p><b>میلر<sup>۵</sup></b> (۱۹۷۶)</p>
<p>رعایت عدالت و انصاف در توزیع یا تخصیص هرگونه منابع فضایی و منافع رفاهی/ به‌کارگیری شاخص‌های نیاز و درآمد واقعی برای تعیین اولویت جبران نابرابری‌ها و تعیین مقیاس مداخله‌ی موردنیاز بخش عمومی.</p>	<p><b>شیان مک کنل</b> (۱۹۸۱)</p>
<p>عدالت یکی از معیارهای کیفیت زندگی است و بر مبنای آن، هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می‌شود/ «از هرکسی طبق امکانات وی و به هرکسی حسب نیازهایش»/ عدالت بر چیزهایی تأکید دارد که به‌عنوان حداقل نیازمندی‌های اساسی تلقی می‌شود؛ ازجمله برابری در سرزندگی/ باید روی گروه‌های محروم تأکید شود.</p>	<p><b>کوین لینچ<sup>۶</sup></b> (۱۹۸۴)</p>
<p>اصول عدالت توزیعی از موارد زیر پیروی می‌کند:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>❖ شایستگی و موفقیت‌ها</li> <li>❖ همکاری و کمک (عطف به حقوق) و</li> <li>❖ اصل تلاش (یا کار و زحمت)</li> </ul>	<p><b>فینبرگ<sup>۷</sup></b> (۱۹۹۱)</p>

<sup>۱</sup> Henri Lefebvre

<sup>۲</sup> John Rawls

کتاب *“A Theory of Justice”*

کتاب *“Justice as Fairness: A restatement”*

<sup>۵</sup> Miller

<sup>۶</sup> Kevin A. Lynch

<sup>۷</sup> Andrew Feenberg

عدالت فضایی گفتمانی متأثر از حق حضور در شهر و حق متفاوت/ مقاوم بودن/ هر تلاشی برای شناسایی کردن ناعدالتی‌ها، باید در جهت درونی سازی ارتباطات اجتماعی، فضایی و نقش حیاتی که این روابط در توزیع، تولید و بازتولید فضا بازی می‌کند، باشد/ توسعه‌ی بحث عدالت فضایی، به سمت فضا سازی و ارتباطات اجتماعی	مصطفی دیکسی (۲۰۰۲)
عدالت را در کنش ارتباطی و حوزه عمومی خلاصه می‌کند/ تأکید بر مشارکت و وحدت کلامی در جامعه.	یورگن هابرماس <sup>۱</sup> (۲۰۰۳)
مطرح کردن: بازیابی ارزش‌های انسانی، احقاق حقوق مردم محروم و آزادی انتخاب و اشتغال/ ایجاد فرصت‌های اجتماعی از طریق ارائه‌ی خدماتی چون آموزش‌های همگانی و ... / لزوم و روایی مشارکت فعال مردم در ساختن آینده خویش.	آمارتیا کومار سن <sup>۲</sup> (۲۰۰۹)
عدالت فضایی یعنی توزیع عادلانه و منصفانه منابع و فرصت‌های بالارزش در فضای جامعه و دربرگیرنده‌ی حالت فضایی تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی است/ موارد برجسته در عدالت فضایی: تبعیض مکانی، سازمان‌دهی سیاسی فضا و توزیع ناعادلانه‌ی درآمدهای سرمایه‌گذاری‌های شهری.	ادوارد سوجا <sup>۳</sup> (۲۰۱۰)
استخراج سه مؤلفه برای عدالت فضایی: مساوات، دموکراسی و تنوع/ تأکید بیشتر بر کنش‌های اجتماعی در شهرها در سطح خرد و کلان/ عدالت یک ترکیب منطقی از نظریه‌های اجتماعی چپ‌گرا و راست‌گراست/ ارائه معیارهای معرف کیفیت خوب/ مطرح کردن آموزش به‌عنوان یکی از سرفصل‌های اصلی به‌سوی شهر عادلانه.	سوزان فاینشتاین (۲۰۱۰)
شناسایی و تبیین عوامل و فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که بی‌عدالتی‌ها را رقم می‌زنند، نقطه تمرکز عدالت فضایی است.	دایک <sup>۴</sup> (۲۰۱۱)
اشکال بی‌عدالتی فضایی را این‌گونه بیان می‌کند: حبس غیرارادی گروهی در فضای محدوده شده- جدایی‌گزینی، گتو سازی و تخصیص نابرابر منابع در فضا	مارکوس <sup>۵</sup> (۲۰۱۱)
چگونگی وضعیت زندگی (محیط اجتماعی و محیط فیزیکی توأمان) و توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی) دو محور برجسته در عدالت فضایی هستند.	دکتر نئو مارتینز <sup>۶</sup> (۲۰۱۱)
عدالت را در رعایت استحقاق‌ها می‌داند/ تفکیک مباحث عدالت در چهار بخش: تعریف عدالت، اقسام عدالت (روحی، جسمی، مزاجی و اجتماعی)، موجبات عدالت (قانون خوب، حسن اجرای مجریان و شعور عمومی) و آثار عدالت.	آیت‌الله مطهری (۱۳۶۱)

منبع: تلخیص از نگارندگان

با توجه به مطالعات نظری و نظریات پژوهشگران و صاحب‌نظران می‌توان شاخص‌های سنجش عدالت فضایی بر پایه فرصت‌های اجتماعی را در جدول شماره ۳ خلاصه کرد.

<sup>۱</sup> Jürgen Habermas

<sup>۲</sup> Amartya Komar Sen

<sup>۳</sup> Edward W. Soja

<sup>۴</sup> Jennifer E. Dayok

<sup>۵</sup> Peter Marcuse

<sup>۶</sup> Neo Martinez

جدول شماره ۳: کل شاخص‌های استخراجی از نظریات عدالت نظریه پردازان

شاخص‌ها و زیر شاخص‌های استخراجی	نظریه پرداز
آزادی/ تمایز/ توجه ویژه به افراد ضعیف/ برابری فرصت‌ها/ حقوق مالکیت	جان رالز (۱۹۷۱ و ۲۰۰۱)
توزیع درآمدهای شهری/ توجه به تبعیض‌های مکانی	ادوارد سوچا (۲۰۱۰)
مساوات/ دموکراسی/ تنوع/ کیفیت مطلوب عرصه زیست/ آموزش	سوزان فاینشتاین (۲۰۱۰)
توجه به نیاز و درآمد واقعی/ توجه به شایستگی‌های افراد	شیان مک کنل (۱۹۸۱)
حق حضور در شهر/ احقاق حقوق شهروندی/ مشارکت/ حق متفاوت بودن	هانری لوفور (۱۹۶۸)
توجه به ابعاد اجتماعی و عدالت اجتماعی	پایری (۱۹۸۳)
حق حضور در شهر/ حق متفاوت بودن/ احیاء ارتباطات مردم در جنبه‌های مختلف	مصطفی دیکسی (۲۰۰۲)
رخداد جدایی‌گزینی	مارکوس (۲۰۱۱)
کنش ارتباطی/ حوزه عمومی/ مشارکت	یورگن هابرماس (۲۰۰۳)
آزادی مدنی	کانت <sup>۱</sup> (دهه ۷۰م)
تعاون مردم و دولت/ دخالت دولت در جذب سرمایه بخش خصوصی	فریدمن <sup>۲</sup> (۱۹۸۷)
در نظر گرفتن شایستگی‌های افراد	هگل (۱۸۲۰)
کیفیت زندگی مطلوب/ عدالت در حداقل نیازهای اساسی	کوبین لینچ (۱۹۸۴)
ایمنی و پایداری و دسترسی مناسب	چپ من <sup>۳</sup> (۱۹۹۶)
توجه به وضعیت زندگی	دکتر نئو مارتینز (۲۰۱۱)
شناسایی زمینه‌های بروز بی‌عدالتی	جنیفر دایک (۲۰۱۱)
آزادی و مشارکت	آمارتیا کومار سن (۲۰۰۹)
قانون خوب/ حسن اجرا	آیت‌الله مطهری (۱۳۶۱)

منبع: نگارندگان

با توجه به جدول شماره ۳، مشاهده می‌شود که مسئله عدالت فضایی بسیار گسترده و پیچیده می‌باشد. از همین رو با توجه به مطالعات انجام‌یافته و محدودیت دسترسی به اطلاعات (به‌خصوص اطلاعات اقتصادی) و همچنین با در نظر گرفتن ویژگی‌های محدوده‌ی مطالعه، از بین شاخص‌های استخراجی، ۱۳ شاخص در قالب سه دسته در این تحقیق مورداستفاده قرار گرفته‌اند:

حق حضور در شهر

نظریه‌پردازان اصلی این گروه هانری لوفور (۱۹۶۸) و مصطفی دیکسی (۲۰۰۲) می‌باشند، که از نظریات کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴) و آمارتیا کومار سن (۲۰۰۹) نیز برای پشتیبانی نظریه‌پردازان اصلی و انتخاب معیارهای سنجش این شاخص استفاده است. در این تحقیق حق حضور در شهر توسط برخورداری از حقوق شهروندی، آگاهی از طرح‌های شهر و دسترسی به آن‌ها، مشارکت در

<sup>۱</sup> Immanuel Kant

<sup>۲</sup> John Friedmann

<sup>۳</sup> David Chapman



تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد زمینه حضور پرنشاط و همراه با آرامش و آزادی و امنیت خاطر سنجیده می‌شود.

#### دسترسی به نیازهای اساسی

نظریه پردازان اصلی این گروه هانری کوبین لینچ (۱۹۸۴) می‌باشد، که از نظریات دکتر نئو مارتینز (۲۰۱۱) و چپ من (۱۹۹۶) نیز برای پشتیبانی نظریه‌پردازان اصلی و انتخاب معیارهای سنجش این شاخص استفاده است. در این تحقیق عدالت در دسترسی به نیازهای اساسی توسط دسترسی به نیازهای اولیه و اساسی، برخورداری از حداقل کیفیت زندگی مطلوب و برخورداری از وضعیت بهداشت مناسب سنجیده می‌شود.

#### حق متفاوت بودن

نظریه‌پردازان اصلی این گروه هانری لوفور (۱۹۶۸) و مصطفی دیکسی (۲۰۰۲) می‌باشند، که از نظریات جان رالز (۱۹۷۱ و ۲۰۰۱)، هابرماس (۲۰۰۳) و مارکوس (۲۰۱۱) نیز برای پشتیبانی نظریه‌پردازان اصلی و انتخاب معیارهای سنجش این شاخص استفاده است. معیارهای حق متفاوت بودن را می‌توان در احترام به تنوع گونه‌ها و اقشار ساکن، برخورداری از حس منزلت اجتماعی شهروندی، عدم احساس جدایی‌گزینی از شهر، جلوگیری از بدنام شدن و مشارکت محلات منزوی در اجرای برنامه خلاصه کر (شکل ۱).



شکل شماره ۱: شاخص‌های سنجش عدالت فضایی جهت دسترسی به فرصت‌های اجتماعی

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

به منظور شناخت کامل‌تر از وضعیت کنونی شهر قزوین و منطقه‌ی یک آن، هم توجه به مردم و هم الگوی برنامه‌ریزی شهر قزوین باید مدنظر قرار بگیرد؛ چراکه آگاهی از این دو سطح مکمل هم هستند. منظور از الگوی برنامه‌ریزی، بازخوانی طرح‌های توسعه‌ی شهر قزوین و مشاهدات میدانی و

کارشناسی و منظور از الگوی شهروندمدار، مصاحبه و پرسشنامه می‌باشد. منطقه‌ی یک قزوین، جنوبی‌ترین منطقه و منطبق بر هسته‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری شهر و بافت‌های قدیمی و فرسوده‌ی آن است که به نظر می‌رسد بین این منطقه و سایر محلات عدالت فضایی برقرار نشده است. و به همین خاطر در این تحقیق موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است. طبق آمار سال ۱۳۹۰، منطقه‌ی یک، ۸۲۲۷۰ نفر از جمعیت ۳۸۱۵۹۸ نفری شهر قزوین را در خود جای داده است و تقریباً دربرگیرنده‌ی یک‌چهارم مساحت شهر قزوین می‌باشد. در شکل شماره ۲، موقعیت منطقه یک در شهر قزوین نشان داده شده است. با نگاهی به نقشه کاربری وضع موجود و کیفیت ابنیه‌ی منطقه یک، از لحاظ دارا بودن فضای سبز مناسب و پارک و فضای تفریحی برای کودکان بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود. بافت این منطقه متراکم است، و اغلب خانه‌ها قدیمی و با زیربنای کم و کیفیت تخریبی و مرمتی و فاقد فضای پارکینگ می‌باشند. از لحاظ کیفیات بصری، نسبت به سایر مناطق شهر، وضعیت مناسبی و مطلوبی ندارد. همچنین به وضعیت بهداشت این منطقه رسیدگی نمی‌شود و به‌خصوص سیستم جمع‌آوری آب‌های سطحی و فاضلاب به چشم نمی‌خورد. مبلمان موجود در فضا نیز بسیار کم و بدون کیفیت می‌باشند. گویی ساکنین این منطقه از سایر قسمت‌های شهر جدا شده و مورد بی‌مهری مسئولین قرار گرفته‌اند. با توجه به وضعیت موجود محلات این منطقه و پروژه‌های در دست انجام شهرداری، و همچنین بازخوانی طرح‌های توسعه شهری قزوین<sup>۱</sup> طی چند دهه، اقدامات عمرانی لازم در این منطقه صورت نگرفته و هیچ‌گونه مشارکت و نظرسنجی در خصوص طرح‌های موضعی اندک نیز انجام نمی‌شود که در این خصوص می‌توان طرح مرکز محله‌ی آخوند را که توسط نگارندگان موردبررسی و ارزیابی قرار گرفته است، نام برد<sup>۲</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> مهندسین مشاور جهاد دانشگاهی استان قزوین؛ (۱۳۹۰)؛ بازخوانی طرح‌های توسعه شهر قزوین؛ کارفرما: سازمان نوسازی و بهسازی شهر قزوین.

<sup>۲</sup> افروز، مریم؛ (۱۳۹۱)؛ ارزیابی و آسیب‌شناسی طرح مرکز محله‌ی آخوند؛ پروژه درس بهسازی و نوسازی شهری به راهنمایی دکتر محمدسعید ایزدی؛ دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.



شکل شماره ۲: موقعیت منطقه مورد مطالعه  
 کل شماره ۲ : موقعیت منطقه اندر شهر قزوین  
 منبع: معاونت معماری و شهرسازی شهرداری قزوین

آنچه در خصوص عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهر قزوین استخراج شد، اهداف و راهبردهایی در قالب تأکید بر رفاه عمومی، توزیع مساوی خدمات اولیه چون مرکز درمانی و آموزشی در تمامی محلات بوده است. و این در صورتی است که بنا بر آمارهای موجود، بودجه‌ها صرف سایر مناطق و به خصوص توسعه‌های جدید شهر قزوین می‌شود. طرح‌های موضعی که در منطقه یک به اجرا درآمده، بیشتر متمرکز بر جنبه‌ی زیباسازی بوده- جنبه‌ای که ساکنین طبقات فرودست با وجود مشکلات فراوان خود، به آن اندک توجهی هم ندارند- و بر کارایی و اثرگذاری آن توجه چندانی صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر بر اساس ماهیت، از جمله تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای محسوب می‌شود و روش آن توصیفی- تحلیلی است. برای جمع‌آوری مبنای نظری، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و به منظور کسب شناخت از نمونه مطالعه، از مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه و نیز مراجعه به اسناد فرادست و فرودست بهره گرفته شده است. برای به دست آوردن تعداد نمونه‌ها برای پرسشنامه، از فرمول کوکران استفاده شده است و بدین گونه ۳۸۴ پرسشنامه با توجه به جمعیت هر محله در منطقه یک توزیع و جمع‌آوری شد. در کنار پرسشنامه برای تحلیل‌های کیفی از مصاحبه نیز استفاده شد. جامعه مصاحبه‌شونده نیز از تمامی نواحی منطقه یک قزوین به صورت تصادفی و متناسب با وسعت ناحیه و جمعیت آن، از تمامی سنین و جنس‌های مختلف انتخاب شدند. با توجه به منابع مختلف و مشخصاً نظرات هری والکات<sup>۳</sup> و آلن بریمن<sup>۴</sup>، تعداد مصاحبه‌شوندگان متناسب با موضوعات مختلف، متفاوت است و مصاحبه‌ها باید تا زمانی ادامه یابد که جواب‌های متفاوت به تکرار برسند ( Baker &

<sup>۳</sup> Harry Wolcott

<sup>۴</sup> Alan Bryman

Edwards, 2012). برای وزن‌دهی به شاخص‌ها از تکنیک *AHP*<sup>۵</sup> و برای تحلیل میزان تحقق عدالت اجتماعی بر پایه شاخص‌های استخراجی، از روش‌های تحلیل محتوا<sup>۶</sup> و تحلیل مباحثه‌ای<sup>۷</sup> در قالب مصاحبه و پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ تایی استفاده شده است. در واقع پس از وزن‌دهی شاخص‌ها با استفاده از مقایسه دودویی، امتیاز هر یک از شاخص‌ها با استفاده از ترکیب نظرات مردمی و تحلیل پژوهشگران در بازه صفر تا یک محاسبه گشته تا در نهایت میزان تحقق عدالت فضایی بر مبنای دسترسی به فرصت‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه مورد سنجش قرار گیرد.

#### ۴- تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا شاخص‌ها و معیارها توسط کارشناسان وزن‌دهی شده است. در ادامه برای سنجش هر یک از شاخص‌ها و معیارها در محدوده مورد مطالعه، برای تحلیل کیفی از تحلیل محتوا و تحلیل مباحثه‌ای در قالب مصاحبه و برای تحلیل کمی آن‌ها از ۳۸۴ پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ تایی استفاده شده و از روش مقیاس‌سازی برای کمی کردن گویه‌های طیف لیکرتی بهره گرفته شده است. در نهایت با توجه به وزن هر یک از شاخص‌ها و معیارها و همچنین امتیازی که آن‌ها در منطقه یک شهر قزوین به دست آورده‌اند، سنجش نهایی میزان عدالت فضایی با تکیه بر فرصت‌های اجتماعی انجام گرفته است.

#### - وزن‌دهی شاخص‌ها

وزن‌دهی شاخص‌ها در فرایند تحلیل سلسله مراتبی به منظور ساده‌سازی مسئله و افزایش دقت وزن‌دهی و مقایسه بین معیارها به صورت دودویی انجام شده است. برای وزن‌دهی از ۳۰ کارشناس<sup>۸</sup> در رشته برنامه‌ریزی شهری استفاده شده است.

با توجه به اینکه تعداد قضاوت‌های زیاد در تحلیل سلسله مراتبی، این امکان را به وجود می‌آورد تا میزان ناسازگاری بالا رود؛ به منظور پایین آوردن ناسازگاری از تکنیک دلفی در وزن‌دهی استفاده شده است. تکنیک دلفی در این پژوهش از ۳ مرحله تشکیل شده است: در مرحله اول پرسشنامه حاوی جدول دودویی مقایسه شاخص‌ها در اختیار کارشناسان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شده به وزن‌دهی شاخص‌ها بپردازند. پس از دریافت نتایج میانگین حسابی مقایسه دودویی‌ها توسط نگارندگان محاسبه شد. در مرحله دوم میانگین مقایسه دودویی شاخص‌ها که محاسبه شده به کارشناسان ارائه شده و از آن‌ها خواسته شده که با توجه به وزنی که خود در مرحله اول داده‌اند و میانگین وزنی

<sup>۵</sup> *Analytic Hierarchy Process*

<sup>۶</sup> *Content Analysis*

<sup>۷</sup> *Discourse Analysis*

<sup>۸</sup> - انتخاب عدد ۳۰ برای تعداد کارشناسان از طرفی به منظور دستیابی به نتایج بهتر و از سویی بر اساس محدودیت دسترسی و شناسایی کارشناسان صورت گرفته است. این کارشناسان از میان دانشجویان ارشد (۲۰ نفر)، دکتری (۵ نفر) و اساتید گروه شهرسازی (۵ نفر) دانشگاه تهران انتخاب گشته‌اند.

ارائه شده توسط کارشناسان مجدداً به مقایسه دودویی شاخص‌ها پردازند. در مرحله سوم نیز این فرایند تکرار گشت. نتایج نهایی حاصل از ضریب اهمیت (وزن) هر شاخص در جدول شماره ۴ آمده است:

جدول شماره ۴: میزان ضریب اهمیت معیارها و شاخص‌های سنجش عدالت فضایی با تکیه بر دسترسی به

فرصت‌های اجتماعی

ضریب سازگاری		ضریب اهمیت		شاخص	معیار
۰,۰۳۴	۰,۰۱۶	۰,۴۸۵	۰,۴۸۰	برخورداری از حقوق شهروندی	حق حضور در شهر
			۰,۰۳۹	آگاهی از طرح‌های شهر و دسترسی به آن‌ها	
			۰,۰۶۳	مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها	
			۰,۲۲۶	ایجاد زمینه حضور پرنشاط و همراه با آرامش	
			۰,۱۹۲	آزادی و امنیت خاطر	
۰,۰۲۱	۰,۰۱۶	۰,۳۲۷	۰,۱۴۰	برخورداری از وضعیت بهداشت مناسب	دسترسی به نیازهای اساسی
			۰,۵۶۴	دسترسی به نیازهای اولیه و اساسی	
			۰,۲۹۶	برخورداری از حداقل کیفیت زندگی مطلوب	
۰,۰۴۱	۰,۰۱۶	۰,۱۸۸	۰,۰۶۹	احترام به تنوع گونه‌ها و اقشار ساکن	حق متفاوت بودن
			۰,۳۷۰	برخورداری از حس منزلت اجتماعی	
			۰,۲۲۳	عدم احساس جدایی‌گزینی از شهر	
			۰,۲۱۲	جلوگیری از بدنام شدن و ایجاد تصویر منفی	
			۰,۱۲۶	مشارکت محلات منزوی در اجرای برنامه	

منبع: نگارندگان

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود شاخص حق حضور در شهر بیشترین اهمیت را در بین معیارها کسب نموده است. همچنین به نظر کارشناسان معیارهای دسترسی به نیازهای اولیه، برخورداری از حقوق شهروندی و برخورداری از حس منزلت اجتماعی مهم‌ترین شاخص‌های سنجش عدالت فضایی با تکیه بر دسترسی به فرصت‌های اجتماعی می‌باشند.

- تحلیل شاخص‌های تحقیق در محدوده مورد مطالعه

حق حضور در شهر

همان‌طور که ادبیات نظری استخراج شده است؛ حق حضور در شهر با برخورداری از حقوق شهروندی، آگاهی از برنامه‌های شهری، مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، فراهم آوردن زمینه حضور ساکنان و آزادی و امنیت خاطر آنان سنجیده می‌شود. به اعتقاد ساکنان منطقه یک شهر قزوین به لحاظ برخورداری از حقوق شهری به این منطقه ظلم شده است؛ چرا که اکثر ساکنان معتقدند که از فعالیت‌های مدیریت شهری آگاهی کمی دارند. ساکنان به سؤال «به نظر شما تا چه حدی از حقوق شهروندی برخوردار هستید؟» امتیاز ۲,۵۵ را دارند که نشان از سطح متوسط رو به پایین برخورداری از حقوق شهروندی در محدوده مورد مطالعه

دارد. در واقع در این منطقه، مسئله مشارکت مردمی که به نوعی احترام گذاشتن به مردم است، مورد توجه قرار نمی گیرد. مشارکت شعاری ای که مدیران شهری مدعی آن هستند نه در مرحله تصمیم سازی و تصمیم گیری، بلکه صرفاً در مرحله اجرای برنامه ها، آن هم در مرحله تأمین منابع مالی و آن هم در مواضع خاصی است. از نظر مشارکت و احترام به شخصیت اجتماعی ساکنین این محلات نیز، بنا بر گفته ی خود ساکنین، هیچ گونه نظرخواهی صورت نگرفته و طرح ها و برنامه های شهر بدون مشارکت مردمی تصویب و به اجرا درمی آیند. از طرفی پرسشنامه ها نیز تأییدکننده نتایج حاصل از بررسی تحلیل های کیفی و مصاحبه است؛ چراکه میانگین امتیاز ساکنان در بازه ۵ تایی به میزان آگاهی از برنامه های شهری برابر ۱،۹۸ و میزان مشارکت در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها ۱،۶۴ بوده است.

از مسائل اصلی که ساکنان در مصاحبه ها بدان اشاره کرده و موجب شده که میزان تحقق عدالت فضایی در محدوده مطلوب نباشد، بحث «رسیدگی» از جانب مسئولین شهر می باشد. ساکنان شکل گیری مفهوم عدالت را به نقش مدیران و مسئولان شهری وابسته می دانند و معتقدند عدالت تنها از طریق مسئولین و از بالا قابل اعمال شدن است. از مصاحبه با آنان می توان این گونه برداشت کرد که آن ها مالکیت منابع شهری را نه به خود بلکه برای مدیران شهری می دانند و توجه مدیران شهری را در اذهان خود، لطف و کرامت آن ها تلقی می کنند نه وظیفه و تکلیف. یکی از دلایل اصلی این امر هم، عدم حضور و مشارکت آن ها در فرایندهای مدیریت شهری است که به تصور مذکور دامن زده و در ادامه، موجب بی اعتمادی و درنهایت احساس بی عدالتی شده است.

ساکنین این محدوده از شهر قزوین، نیاز به توجه و دیده شدن دارند و می خواهند آن را به عینه ادراک و لمس نمایند. به نظر می رسد، ادراک عینی اقدامات در دیدگاه مردم، نقشی اساسی در ادراکات حسی آن ها دارد؛ با توجه به عدم پاسخگویی ادراک حسی آن ها، ساکنان زمینه حضور پر نشاط و همراه با آرامش را کمرنگ می بینند. به گونه ای که میانگین امتیاز ساکنان به این شاخص در طیف لیکرت ۵ تایی برابر ۱،۶۸ بوده که با سطح میانگین تفاوت فاحشی دارد. در میان شاخص های این بخش وضعیت آزادی و امنیت خاطر ساکنان نسبت به سایر شاخص ها وضعیت بهتری دارد اما باز هم از سطح متوسط کمتر می باشد.

#### دسترسی به نیازهای اساسی

در رابطه با «رضایتمندی از دسترسی به نیازهای اساسی» اکثریت پاسخ ها نشان دهنده این موضوع است، که این مسئله در این محدوده در شرایطی مناسبی قرار دارد. تقریباً اکثریت پاسخ دهندگان از امکان تأمین مایحتاج و نیازهای خود از محدوده زندگی صحبت می کنند. دلایل این امر را می توان مجاورت بافت قدیمی با بازار قزوین دانست که هنوز فعال بوده و یکی از مراکز خرید اصلی شهر قزوین است. همچنین بافت سنتی قسمت قدیمی شهر که هنوز ساختار محلات سنتی را داراست و مرکز محلات در آن فعال هستند نیز از دلایل این گزاره است. عمده مسائلی که شهروندان در ارتباط

با امکانات و خدمات مطرح می‌کنند، مسائل مربوط به تأسیسات بهداشتی به‌ویژه شبکه فاضلاب و سیستم جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی و همچنین خطوط حمل‌ونقل عمومی است که در بافت قدیم کارایی لازم را ندارد، است. که در ارتباط با خطوط به دلیل نوع سیستم شبکه ارتباطی بافت قدیم، تا حدودی این مسئله قابل پیش‌بینی بوده است. بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها به وضعیت نامناسب بهداشت و نظافت محله‌شان اشاره داشته‌اند؛ حتی در مواردی که مردم به‌منظور درخواست رسیدگی به مشکلات محله‌شان به شهرداری منطقه رجوع کردند، که به نظر آنان توجهی صورت نگرفته است. تحلیل حاصل از پرسشنامه‌ها نیز می‌تواند نتایج حاصل از مصاحبه‌ها را پشتیبانی کند. ساکنان دسترسی به نیازهای اولیه و برخورداری از حداقل کیفیت زندگی را در سطح منطقه مطلوب ارزیابی کرده و میانگین امتیاز آنان به این دو معیار در طیف ۵ تایی لیکرت به ترتیب ۴,۲۲ و ۳,۲۳ بوده است. البته می‌توان یکی از دلایل رضایت بالای ساکنان از دسترسی به نیازهای اولیه را در فقر نسبی ساکنان و در پی آن قناعت و کم‌توقع بودن آنان جستجو کرد. البته در زمینه بهداشت عموماً امتیاز پایین‌تر از حد متوسط را داده به‌طوری‌که میانگین آن به ۲,۲۰ رسیده است.

#### حق متفاوت بودن

در محدوده مورد مطالعه احترام نسبی به تنوع گونه‌ها و اقسام ساکن وجود دارد. ساکنین عمدتاً معتقدند نوع ارتباط ساکنین مناطق مرفه‌نشین با آن‌ها، بی‌ادبانه و بر اساس اختلاف‌های طبقاتی نیست؛ گرچه عده‌ای این نوع رفتار را ظاهری پنداشته و معتقدند در باطن، نگاه‌ها و دیدگاه‌ها متفاوت است. با این حال نوعی حس جدایی‌گزینی از شهر (به لحاظ اجتماعی و اقتصادی) در بین ساکنان وجود دارد؛ چراکه میانگین امتیاز ساکنان به پرسش «تا چه حد به لحاظ اقتصادی و اجتماعی خود را از دیگر ساکنین شهر جدا احساس می‌کنید؟» برابر ۳,۵۲ بوده که این بیش‌ازحد متوسط و نزدیک به زیاد می‌باشد. البته ساکنان برای این اظهارنظر خود دلایلی نیز داشته‌اند: این افراد معتقدند که رسیدگی و کارهای عمرانی مسئولین به مناطق دیگر شهر موجب جذابیت آن‌ها شده است. دسته‌ای دیگر پاسخ‌هایشان بیشتر به مسائل بصری و زیبایی‌شناسانه برمی‌گردد؛ این افراد معتقدند زیبایی محلات بالاشهر، از نمای ساختمان‌ها گرفته تا شکل خیابان‌ها و... موجب جذابیت و تمایز آن و نوعی احساس جدایی بین ما و محلات دیگر می‌گردد. عده معدودی نیز، کیفیت خدمات و امکانات را عامل تمایز و جذابیت مناطق دیگر شهر می‌دانند.

متأسفانه به نقل از مصاحبه‌شوندگان مسئولین مدیریت شهری نیز برای کاهش این حس جدایی‌گزینی و جلوگیری از تصویر و ذهنیت منفی ساکنان شهر نسبت به منطقه یک شهر قزوین کار چندانی نکرده است. ساکنان تلاش‌های مدیریت شهری را برای جلوگیری از بدنام شدن و ایجاد تصویر منفی را کم ارزیابی کرده و میانگین امتیاز آنان به این شاخص ۲ بوده است. همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد میزان مشارکت خواستن مسئولین شهری از ساکنان در اجرای برنامه‌ها نیز در

سطح پایینی است و به نظر ساکنان میزان مشارکت آن‌ها در اجرای برنامه‌ها در حد بسیار کم بوده؛ چراکه میانگین امتیاز آن‌ها به این شاخص در بازه لیکرت ۵ تایی برابر ۱.۵۲ بوده است.

- سنجش میزان عدالت فضایی با تأکید بر دسترسی به فرصت‌های اجتماعی در

#### منطقه یک شهر قزوین

میانگین وزن‌دهی شده امتیاز معیارها در بازه ۵ تایی نشان می‌دهد که وضعیت ساکنان محدوده مورد مطالعه به لحاظ دسترسی به نیازهای اساسی تقریباً مطلوب، ولی به لحاظ داشتن حق حضور در شهر و حق متفاوت بودن از میزان متوسط کمتر می‌باشند. امتیاز نهایی هر یک از شاخص‌ها که خروجی میانگین نتایج حاصله از پرسشنامه‌های توزیع شده می‌باشد، در جدول شماره ۵ آمده است. جدول شماره ۵: امتیاز هر یک شاخص‌های تبیین‌کننده عدالت فضایی با تأکید بر دسترسی به فرصت‌های

#### اجتماعی در محدوده مورد مطالعه

شاخص	معیار	نمودار امتیاز (در بازه ۱ الی ۵)	میزان امتیاز
دسترسی به شهر	برخورداری از حقوق شهروندی		۲.۵۵
	آگاهی از طرح‌های شهر و دسترسی به آن‌ها		۱.۹۸
	مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها		۱.۶۴
	ایجاد زمینه حضور پر نشاط و همراه با آرامش		۱.۶۸
	آزادی و امنیت خاطر		۲.۶۷
	میانگین وزن دهی شده		۲.۳۰
دسترسی به نیازهای اساسی	برخورداری از وضعیت بهداشت مناسب		۲.۲۰
	دسترسی به نیازهای اولیه و اساسی		۴.۲۲
	برخورداری از حداقل کیفیت زندگی مطلوب		۳.۲۳
	میانگین وزن دهی شده		۳.۳۳
دسترسی به رفاه	احترام به تنوع گونه‌ها و اقشار ساکن		۳
	برخورداری از حس منزلت اجتماعی شهروندی		۲.۴۳
	عدم احساس جدایی‌گزینی از شهر		۱.۴۸



۱,۹۹				جلوگیری از بدنام شدن و ایجاد تصویر منفی
۱,۵۲				مشارکت ساکنان در اجرای برنامه
۲,۰۳				میانگین وزن دهی شده

برای سنجش نهایی میزان عدالت می‌توان از رابطه زیر استفاده کرد:

$$\text{امتیاز نهایی عدالت فضایی} = \sum_{k=1}^n \sum_{i=1}^m W_k W_i(G_i)$$

که در آن  $W_k$  ضریب اهمیت (وزن) معیار،  $W_i$  ضریب اهمیت شاخص و  $G_i$  امتیاز هر شاخص در منطقه یک شهر قزوین در بازه ۱ الی ۵ می‌باشد.

با استفاده از رابطه بالا امتیاز نهایی میزان عدالت فضایی ۲,۵۸ برآورد شده که این میزان از سطح متوسط (۳) پایین‌تر بوده و نشان‌دهنده وضعیت متوسط رو به پایین عدالت فضایی در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. البته در شاخص‌هایی چون دسترسی به نیازهای اولیه و اساسی و برخورداری از حداقل کیفیت زندگی مطلوب وضعیت محله مطلوب بوده، اما ضعف شدید در شاخص‌هایی چون احساس جدایی‌گزینی از شهر، میزان مشارکت محلات منزوی در اجرای برنامه و مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها موجب شده که در نهایت وضعیت محدوده در ارتباط با موضوع تحقیق پایین‌تر از حد متوسط آن باشد.

##### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

عواملی که عدالت را رقم می‌زنند: قانون خوب، حسن اجرای مجریان و شعور عمومی<sup>۹</sup> می‌باشند؛ یعنی هم دولت و مسئولین محلی و هم خود مردم باید در پیوند با یکدیگر عدالت را به ارمغان بیاورند. بدین منظور باید دید که جامعه به چه چیزهایی نیاز دارد و اینکه استعدادهای اشخاص به واسطه‌ی سکونت در محله‌ای خاص سرکوب نشود. در این پژوهش به منظور سنجش عدالت فضایی در دستیابی به فرصت‌های اجتماعی، ۳ شاخص اصلی حق حضور در شهر، دسترسی به نیازهای اساسی و حق متفاوت بودن، و ۱۳ معیار، که مبین عدالت فضایی در منطقه یک شهر قزوین باشند، در نظر گرفته و توسط کارشناسان وزن دهی شدند. سنجش هر یک از شاخص‌ها و معیارها برای تحلیل کیفی مصاحبه‌ها از طریق تحلیل محتوا و تحلیل مباحثه‌ای و برای تحلیل کمی ۳۸۴ پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ تایی استفاده شد. در نهایت با توجه به وزن هر یک از شاخص‌ها و معیارها و همچنین امتیازی که آن‌ها در منطقه یک شهر قزوین به دست آورده‌اند، سنجش نهایی میزان عدالت فضایی با تکیه بر فرصت‌های اجتماعی انجام گرفته است. میانگین وزن‌دهی شده امتیاز

<sup>۹</sup> Sense of Public

معیارها در بازه ۵ تایی نشان می‌دهد که وضعیت ساکنان محدوده مورد مطالعه به لحاظ دسترسی به نیازهای اساسی تقریباً مطلوب، ولی به لحاظ داشتن حق حضور در شهر و حق متفاوت بودن از میزان متوسط کمتر می‌باشند.

با توجه به نزدیکی محدوده به بافت قدیمی و مرکز شهر قزوین عدالت در دسترسی به نیازهای اساسی تا حدی مطلوب بوده اما نکته حائز اهمیت در زمینه عدالت فضایی این است که ناعدالتی ذهنی کماکان در نزد ساکنان شاهد هستیم؛ در واقع سعی شده تا از لحاظ توزیع فیزیکی خدمات شهری عدالت برقرار شود ولی به دلیل عدم رسیدگی مناسب مسئولین این منطقه از شهر، این ذهنیت در شهروندان شکل گرفته که در شهرشان عدالت حاکم نیست. از تحلیل‌ها و مصاحبه‌های انجام شده مشخص شده که ساکنان این محدوده به طور عمده شکل‌گیری مفهوم عدالت را به نقش مدیران و مسئولان شهری وابسته می‌دانند و معتقدند عدالت تنها از طریق مسئولین و از بالا قابل اعمال شدن است. در واقع آن‌ها مالکیت منابع شهری را نه برای خود، بلکه برای مدیران شهری می‌دانند و توجه مدیران شهری را در اذهان خود، لطف و کرامت آن‌ها تلقی می‌کنند نه وظیفه و تکلیف. یکی از دلایل اصلی این امر هم، عدم حضور و مشارکت آن‌ها در فرایندهای مدیریت شهری است که به تصور مذکور دامن زده و در ادامه، موجب بی‌اعتمادی و در نهایت احساس بی‌عدالتی شده است؛ در واقع این عامل سبب کاهش فرصت‌های اجتماعی نظیر متفاوت بودن و حضور در شهر را در نزد ساکنان داده است.

با توجه به تحلیل‌ها صورت گرفته و نتایج حاصل از آن، به منظور ایجاد عدالت در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی برابر در منطقه یک شهر قزوین راهبردها و راهکارهایی در قالب جدول ۶ تدوین شده است:

جول شماره ۶: راهبردها و راهکارهای اجرایی در جهت دستیابی به فرصت‌های اجتماعی برابر

هدف خرد	راهبرد	راهکارهای اجرایی
عدالت فضایی و عدالت ذهنی ساکنان شهروندان	شناسایی کمبودها و نیازهای مردم محلات مختلف	تلاش برای شناسایی عوامل ایجاد احساس محرومیت در بافت‌های قدیمی و مسئله‌دار از طریق پژوهش‌های میدانی تخصیص بودجه عادلانه به مناطق مختلف شهر
	رعایت عدالت در حداقل نیازهای اساسی <sup>۱</sup> برخورداری تمامی	توجه به مناطق درگیر بی‌عدالتی در طرح‌های توسعه شهری تأمین عدالت در برنامه‌ها و اقدامات نهادهای شهری از طریق توجه بیشتر به مناطق محروم با حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها و...

<sup>۱</sup> عدالت باید در نسبت با حداقل‌ها رعایت بشود. حداقل نیازمندی‌های اساسی که هر شهروند در درجه‌ی اول به‌عنوان یک انسان و در درجه‌ی دوم به‌عنوان یک شهروند قزوینی باید از آن برخوردار باشد.

	محلات از کیفیت زندگی مطلوب <sup>۱</sup>	
برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های مختلف فرهنگی در این بافت‌ها. رسیدگی بیشتر از جنبه‌های نظافت و پاکیزگی، مشارکت دادن شهروندان در امور محلی و... حمایت از هنرمندان و افراد بااستعداد ساکن در این بافت‌ها در جهت نشر آثار.	بهبود تصویر ذهنی موجود از محلات حاشیه‌ای و فرودست	بازگرداندن مراتب اجتماعی به محلات پایین‌شهر
شناسایی هویت محلات و اقدام در راستای تقویت و یا احیای آن	ارزش‌گذاری برای هویت محلات	
حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و مددکاری‌های اجتماعی در رفع مسائل اجتماعی برخورد با بزهکاری و جرم و همچنین برگزاری برنامه‌های آموزش و ترمیم اجتماعی برای اقشار آسیب‌پذیر	بهبود وضعیت اجتماعی ساکنین این گونه محلات	
نوسازی و مرمت آثار تاریخی ارزشمند بافت‌های قدیمی مجموعه‌سازی و اضافه‌کردن کارکردهای فرهنگی و تجاری و توریستی به مناطق تاریخی در جهت پاسخگویی به نیاز گردشگران	تقویت گردشگری در بافت قدیم	
تأسیس نهادی مردمی با مشارکت ساکنین شهری در جهت مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا در برنامه‌های شهری و نظارت بر آن پیگیری حقوق محرومین و اقشاری که قادر به بیان توقعات خود نیستند از طریق نهاد مزبور	نهادسازی جهت تکوین امر مشارکت مردمی	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> کیفیت خوب یعنی: فضای عمومی ناهمگن، برنامه‌ریزی مشارکت محور، همراه با باز توزیعی به نفع فقیرترین‌ها و اجتماعات محلی که دیگران به رسمیت شناخته می‌شوند و تنوع مورداحترام است. شهری که سرمایه‌گذاری و قانون عمومی، بیشتر در پی تولید درآمدهای متساوی باشد تا حمایت از آن‌هایی که در حال حاضر دارای زندگی آسوده‌ای هستند. آموزش یکی از سرفصل‌های اصلی به‌سوی شهر عدالت است.

<p>برگزاری کلاس‌های آموزشی مشارکت برای ساکنین تهیه برنامه‌های تلویزیونی، مسابقه‌های شهری و نمایشگاه‌ها در جهت تکوین امر مشارکت در اذهان مردم حمایت از ایده‌های مردمی و گروهی در راستای بهبود امور محله و شهر توجه و حمایت از اقشار گوناگون در امر مشارکت</p>	<p>ارتقاء فرهنگ مشارکت در بین ساکنین</p>	
<p>برگزاری جلسات گفتگامی و دعوت از شهروندان از کل شهر برای ابراز نظرات و خواسته‌هایشان و همچنین بیان مشکلات موجود در سطح شهر. برگزاری مراسم‌های فرهنگی، تفریحی هفتگی و یا ماهانه در هر یک از محلات موجود در کل سطح شهر، که مجریان و بازیگران آن نیز متعلق به همان محله باشند باهدف ابراز توانایی‌ها و درنهایت مشارکت برگزاری مراسم‌های فرهنگی شهری در جهت افزایش ارتباطات بین اقشار مختلف و ایجاد زمینه برای برقراری ارتباط میان آن‌ها در جهت همبستگی حمایت از سرمایه‌گذاری مالی در جهت پشتیبانی از مراسم‌های این‌چنینی</p>	<p>ایجاد زمینه برای بیان توقعات مردمی</p>	<p>افزایش ارتباطات بین محلات و مناطق مختلف شهر و ساکنین آن‌ها و دستیابی به حس همبستگی و وقایع اجتماعی</p>
<p>افزایش کردن ایستگاه‌های اتوبوس به‌ویژه در بافت قدیمی. مکان‌یابی مناسب ایستگاه‌ها در مراکز و نقاط قابل‌دسترس برای کل بافت.</p>	<p>بهبود شبکه‌ی حمل‌ونقل عمومی ایمن و ارزان و در دسترس</p>	<p>بهبود خدمات موروثی در تمامی محلات</p>
<p>حمایت از احداث فروشگاه‌های تعاونی در شهر به‌ویژه در نواحی قدیمی شهر به‌منظور تأمین کالاهای اساسی. اعطای تسهیلات در جهت احداث مراکز خرید در نواحی قدیمی به‌منظور توسعه‌بخشی.</p>	<p>بهبود خدمات‌رسانی از طریق مراکز خرید و فروشگاه‌های تعاونی با قیمت‌های مناسب</p>	<p>بهبود دسترسی شهروندان به خدمات محلات محروم شهر به‌خصوص محلات محروم</p>
<p>ایجاد و یا اختصاص مسیرهای پیاده در شهر به‌ویژه در بخش مرکزی و بافت قدیمی که شیوه‌ای ارزان و پایدار برای حمل‌ونقل است. جای‌دهی عناصر جاذب پیاده‌روی در پیاده‌راه‌ها همچون عناصر تجاری، تفریحی و... اختلاط کاربری و اجتناب از تفکیک کاربری‌ها در جهت کوتاه‌تر شدن فاصله‌ها و مسیرها که موجب تشویق پیاده‌روی می‌گردد. تغییر ضابطه‌ها و دستورالعمل‌های حرکت در شهر به نفع پیاده‌ها ایجاد مسیرهای دوچرخه و تقویت مسیرهای کنونی به دلیل شرایط توپوگرافیک مناسب شهر. تشویق شهروندان به فرهنگ استفاده از دوچرخه با تعبیه مسابقات و اهدای جوایز و...</p>	<p>تقویت شیوه‌های حمل‌ونقل پایدار مبتنی بر پیاده‌مداری و دوچرخه‌سواری</p>	<p>بهبود دسترسی شهروندان به خدمات محلات محروم شهر به‌خصوص محلات محروم</p>

منبع: نگارندگان

مقاله حاضر سعی بر آن داشته که به مقوله عدالت از دیدگاه فضایی نگاه کند چرا که وقتی فضایی نباشد عدالت هم معنا نخواهد داشت<sup>۱</sup>. توجه به مقوله فضا آن هم از دید کیفی و کمی توأمان در کمتر پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است. کما اینکه در تحقیق پیش رو، تمرکز زیادی بر فرصت‌های اجتماعی به عنوان ابزار قوی تأمین عدالت شده و شاخص‌های جامعی نیز برای آن استخراج شده است. دلیل این امر آن بوده که نتایج بررسی‌های میدانی و آزمون و خطای نگارندگان و همچنین مشاهده تحقیقات صرفاً کمی، به وضوح آشکار کرد که برای سنجش مقوله‌ی پیچیده عدالت فضایی آن هم از طریق شهروندان، نمی‌توان انحصاراً توزیع خدمات و معیارهای کمی را مورد مطالعه قرار داد به همین منظور هم حق حضور در شهر و حق متفاوت بودن در کنار دسترسی به نیازهای اساسی مورد بررسی دقیق و تجربی قرار گرفتند؛ چرا که در غیر این صورت، از اذهان مردمان و خواسته‌های نهفته‌شان، غفلتی بزرگ رخ خواهد داد که نتیجه آن هم چیزی نخواهد بود جز، شکست.

منابع:

۱. هولاب، رابرت (۱۳۹۳) یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
۲. براتی، ناصر و سرداری، محمدرضا (۱۳۸۸) برنامه توسعه راهبردی شهر قزوین تا سال ۱۴۱۰، نشر آرتابابا - نوآوران دانشگاه پارسه، تهران.
۳. محمدرضا پورجعفر، علی رضا صادقی، مسعود خادمی، زاهد یوسفی (۱۳۸۹) اجتماعات محلی: ریشه‌ها و سیاست‌های طراحی، ماهنامه شهرداری‌ها، سال یازدهم، شماره ۹۹، صص ۷۳-۷۷.
۴. تالن، امیلی (۱۳۸۰) GIS (و تجسم عدالت در برنامه‌ریزی شهری، ترجمه محمد رضایی، نشریه شهر نگار، شماره ۱۹، صص ۲۶-۳۷.
۵. چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. داداش پور هاشم؛ علیزاده بهرام و رستمی فرامرز (۱۳۹۴) تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه نقش جهان، شماره ۱-۵، صص ۷۵-۸۴.
۷. شمعی، علی و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. طرح توسعه راهبردی شهر قزوین (۱۳۸۵) دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
۹. طرح جامع شهر قزوین (۱۳۴۵) مهندسين مشاور مندا.

۱. ر. ک. به (Philipopoulos-Mihalopoulos, A. (۲۰۱۵) *Spatial Justice: Body, Landscape, Atmosphere*. انتشارات Routledge، لندن و نیویورک.

۱۰. طرح جامع شهر قزوین (۱۳۶۹) مهندسين مشاور شارمند.
۱۱. طرح جامع شهر قزوین (۱۳۸۴) مهندسين مشاور شهر و برنامه.
۱۲. طرح جامع و تفصیلی شهر قزوین (۱۳۵۹) مهندسين مشاور مسکون.
۱۳. غنی نژاد، موسی (۱۳۷۲) سراب عدالت از دیدگاه هایک، نامه فرهنگ، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۴۲-۴۹.
۱۴. فریدمن، جان (۱۳۸۷) برنامه ریزی در حوزه ی عمومی: از شناخت تا عمل، ترجمه عارف اقوامی مقدم، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۱۵. کمپل، اسکات و فاینشتاین، سوزان (۱۳۸۸) نظریه برنامه ریزی شهری (۱) (سده بیستم)، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، انتشارات آذرخش.
۱۶. لشگری، محمد (۱۳۹۰) تأمین عدالت و امکان استفاده ی برابر افراد جامعه از فرصت ها بر اساس بهبود توزیع درآمد، راهبرد یاس، شماره ۲۵، صص ۱۴۹-۱۷۶.
۱۷. لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه ی دکتر حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. مارکوس، پیتر و کنولی، جیمز و دیگران (۱۳۹۲) در جستجوی شهر عدالت محور (بحث هایی در نظریه و تجربه ی شهری) مترجمان: هادی سعیدی رضوانی و محجوبه کشمیری، تهران، نشر شهر.
۱۹. مطهری، سید مرتضی (۱۳۶۱) بیست گفتار: اصل عدل در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. میلر، دیوید (۱۳۸۶) اصول عدالت اجتماعی، ترجمه رضا علی نوروزی و لاله فاضلی، قم، مؤسسه فرهنگی سما.
۲۱. نوری نائینی، محمدسعید (۱۳۸۳) بازخوانی اندیشه های آمارتیا سن در «توسعه و آزادی» تبیینی ایرانی از نگرش های آمارتیا سن، نشریه راهبرد، شماره سی و چهارم، صص ۴۳۶-۵۰۲.
۲۲. واعظی، احمد؛ (۱۳۸۴)؛ جان رالز: از نظریه ی عدالت تا لیبرالیسم سیاسی؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
23. Philippopoulos-Mihalopoulos, A. (2015) "Spatial Justice: Body, Lawscape, Atmosphere", Published by Routledge, New York.
24. Elsie Baker, S., Edwards, R.(2012) "How many qualitative interviews is enough?" expert voices and early career reflections on sampling and cases in qualitative research, National Centre for Research Methods Review Paper.
25. Fainstein, S. (2010) The Just City, Cornell University Press.
26. Feenberg, A. (1991) Critical theory of Technology, Oxford University Press.
27. Friedmann, J. (1987) Planning in the public domain: from knowledge to action; Princeton University Press.
28. Habermas, J. (2003) Truth and Justification, MIT Press.
29. Lefebvre, H. (1993 [1968]) "The right to the city," in Ockman, J. (ed.) Architecture Culture 1943-1968: A Documentary Anthology, New York Rizzoli; pp. 428-436.
30. McConnell, Sh. (1981) Theories for planning; published by Heinemann: London.
31. Miller, D. (1976[1979]) Social Justice, Oxford: Clarendon Press.
32. Mill, J.S. (2010) On Liberty: The philosophical work that changed society for ever, Nabu Press.
33. Reevez, D. (2005) Planning for diversity: policy and planning in a world of difference, published by Routledge, London & New York.
34. Sen, A. (2009) The Idea of Justice, Harvard University.

35. Soja, E. (2000) Postmetropolis: critical studies of cities and regions, oxford and Cambridge, MA: Blackwell.
36. Soja, E. (2010) Seeking spatial justice, University of Minnesota Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی